



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir



اعرف الحق تعرف امله

۱۰

سلسله پژوهش های اعتقادی

نگاهی به حدیث ثقلین

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی الميلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین المجلد ۱۰
۷	مشخصات کتاب
۷	سرآغاز ... ص: ۷
۸	پیش‌گفتار ... ص: ۱۳
۹	بخش یکم پژوهشی در واژگان حدیث ثقلین ... ص: ۱۹
۹	واژه «ثقل» از نظر لغوی ... ص: ۱۹
۱۱	بررسی واژگان دیگر ... ص: ۲۲
۱۲	نکته‌ای جالب ... ص: ۲۵
۱۳	نتیجه بحث ... ص: ۲۶
۱۳	بخش دوم نگاه به راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱
۱۳	راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱
۱۴	حدیث ثقلین به روایت پیشوایان مشهور اهل تسنن ... ص: ۳۲
۱۶	بررسی دلالت های حدیث ثقلین حدیث ثقلین ... ص: ۳۹
۱۶	حدیث ثقلین بیان‌گر امامت و خلافت ... ص: ۳۹
۱۷	دیدگاه بزرگان اهل سنت در دلالت حدیث ... ص: ۴۰
۱۷	حدیث ثقلین بیان‌گر اعلمیت اهل بیت ... ص: ۴۲
۱۹	حدیث ثقلین بیان‌گر عصمت اهل بیت ... ص: ۴۵
۱۹	اقتران حدیث ثقلین با احادیث دیگر ... ص: ۴۶
۲۰	وصیت به قرآن کریم و عترت در موارد مختلف ... ص: ۴۸
۲۱	دعوت به اتحاد در پرتو تعلیمات حدیث ثقلین ... ص: ۵۰
۲۲	چکیده سخن ... ص: ۵۲
۲۳	بخش چهارم بررسی اشکال‌ها و ایرادها واهی بر حدیث ثقلین ... ص: ۵۷

۲۳	اشکال‌ها و ایرادها ... ص: ۵۷
۲۳	تضعیف حدیث ... ص: ۵۷
۲۴	ناشناخته بودن متن حدیث ... ص: ۶۱
۲۵	تحریف حدیث ... ص: ۶۲
۲۶	معارضه با احادیث دیگر ... ص: ۶۶
۲۷	تکذیب حدیث ... ص: ۶۸
۲۸	کتاب نامه ... ص: ۷۳
۳۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین المجلد ۱۰

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: محاضرات فی الاعتقادات. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث ثقلین / علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز تحقیقات اسلامی.

مشخصات نشر: قم: حقایق، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۱۰

شابک: ۳-۹۵-۲۵۰۱-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخش " حدیث الثقلین " از کتاب " محاضرات فی الاعتقادات " اثر علی حسینی المیلانی است.

موضوع: شیعه امامیه -- عقاید

موضوع: احادیث خاص (ثقلین)

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۳۰۴۲۱۷م۵۷/ح/BP۲۱۱/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۱۲۱۶۵

سر آغاز ... ص: ۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و

رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از

یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای متان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس

از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین

مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از

همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تلبیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبَّار پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۹

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد. امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

یکی از احادیث معروفی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند «حدیث ثقلین» است. این حدیث در منابع بسیاری نقل شده است. ترمذی در کتاب صحیح به سند خود، از جابر بن عبدالله انصاری این گونه نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

يا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنِ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا:

كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. «۱»

ای مردم! من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر بدان تمسک

(۱) صحیح ترمذی: ۱۲۴/۶، حدیث ۳۷۸۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۱۴

کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که خاندان من هستند.

همچنین ترمذی در صحیح خود با سند دیگری از زید بن ارقم نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:
 إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي
 أَهْلُ بَيْتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا. «۱»

به راستی که من در میان شما چیزی را به جا می‌گذارم که اگر بدان چنگ بزنی هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو از دیگری باعظمت‌تر است: کتاب خدا که ریسمانی آویخته از آسمان به زمین است، و عترت و خاندان من، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

پس دقت نمایید که بعد از من در حق آن دو چگونه رفتار خواهید داشت.

این دو روایت در زمره روایاتی است که از دو صحابی

(۱) صحیح ترمذی: ۱۲۵/۶، حدیث ۳۷۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۱۵

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در کتاب صحیح ترمذی نقل شده است.

به راستی اگر به این حدیث شریف عمل می‌شد و با مصادیق صحیحش تطبیق می‌گردید، هرگز چنین اختلافی بین امت اسلام واقع نمی‌شد.

آری فراخوانی و دعوت به وحدت اسلامی و کنار گذاشتن اختلافات موجود میان فرقه‌های اسلامی، از اموری است که مورد اهتمام اندیشمندان اصلاح‌گر مسلمان قرار گرفته است.

در این راستا آنان برای دستیابی به این هدف، راه‌ها، پیشنهادها و نظریه‌هایی ارائه کرده‌اند؛ ولی حدیث شریف ثقلین بهترین وسیله برای اتفاق و گرد هم آمدن مسلمانان می‌باشد؛ چرا که این حدیث از طرفی مورد پذیرش همه فرقه‌های اسلامی است؛ و از طرف دیگر مدلول و معنای آن واضح و روشن است.

این کتاب پژوهشی در این زمینه است که در چهار بخش به بررسی و تحقیق این حدیث شریف پرداخته است:

۱. پژوهشی در واژگان حدیث؛

۲. نگاهی به راویان حدیث؛

۳. بررسی دلالت‌های حدیث؛

۴. بررسی اشکال‌ها و ایرادهای واهی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۱۹

بخش یکم پژوهشی در واژگان حدیث ثقلین ... ص: ۱۹

واژه «ثقل» از نظر لغوی ... ص: ۱۹

این حدیث شریف، به «حدیث ثقلین» مشهور است. واژه ثقلین تشبیه «ثقل» است، و کلمه ثقل در لغت به معنای متاعی است که مسافر با خود حمل می‌کند.

البته عده‌ای از محدثان و لغویان، این کلمه را «ثقلین» - یعنی به کسر ثاء و سکون قاف - قرائت کرده‌اند، که در این صورت تشبیه

«ثَقُل» خواهد بود، و ثَقُل در لغت به معنای بار سنگین و گنج آمده است.

ولی به نظر می‌رسد کلمه «ثقلین» در این حدیث شریف، به فتح ثاء و قاف باشد.

فیروزآبادی در کتاب القاموس المحيط می‌نویسد:

ثَقُل (به حرکت قاف) به معنای متاع و کالای مسافر و نیز هر چیز نفیسی را که پنهان و محفوظش می‌دارند می‌باشد؛ و حدیثی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ»

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۰

الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي» از همین لغت است. «۱» این که ما ضبط نخست را بر ضبط دوم ترجیح دادیم به این جهت است که تناسب ضبط نخست (ثَقَلَيْنِ) با موقعیتی که این حدیث شریف از رسول خدا صلی الله علیه و آله صادر گردیده بیشتر است؛ چرا که مسافری که از شهری به شهر دیگری کوچ می‌کند- به خصوص که هرگز قصد بازگشت به آن شهر را نداشته باشد- اسباب و اثاثیه زندگی خود را می‌برد، و از آن جا که حمل و نقل در آن زمان به سختی و مشقت انجام می‌گرفت و انسان نمی‌توانست تمام لوازم و اثاثیه زندگی را از جایی به جایی ببرد، ناگزیر در هنگام کوچ، به برداشتن گران‌بهارترین و نفیس‌ترین دارایی خود اکتفا می‌کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین می‌فرماید:

إِنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأُجِبْتُ.

به راستی که من فرا خوانده شده‌ام و به این فراخوانی پاسخ گفته‌ام.

در نقل دیگری آمده است که فرمود:

يُوشِكُ أَنْ أَدْعِيَ فَاجِيبْ.

نزدیک است که فرا خوانده شده و به آن پاسخ مثبت دهم.

(۱) القاموس المحيط: ۳/ ۴۶۸، ماده «ثقل».

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۱

آن حضرت با این سخنان، از نزدیکی رحلت جانگدازش خبر می‌دهد؛ از این رو فرمود:
وَإِنِّي تَارِكٌ.

همانا باقی گذاردم.

آری، قرار گرفتن آن حضرت در موقعیت سفر آخرت، اقتضا می‌کند که عزیزترین و گران‌بهارترین اشیای خود را که قرآن و عترت است با خود ببرد؛ ولی به مقتضای رأفت و لطفی که بر امت دارد، و از آن جایی که بر ماندگاری این دین حرص می‌ورزد، این گران‌بهارترین اشیای خود را که در طول حیات پربرکتش، نهایت اعتنا و توجه به آن‌ها داشت، در بین امت باقی گذاشت. بنا بر این آن چه را که به جهت مسافرت باید از این دار فانی با خود ببرد، به جهت رأفت و محبت بی‌دریغی که به امت دارد در بین آن‌ها باقی گذارده و می‌فرماید:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي.

من دو چیز گران‌بها در بین شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترت و خاندانم.

آن گاه حضرتش این گونه توصیه می‌فرماید:

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَمَانَا لَنْ تَضَلُّوا.

مادامی که به آن‌ها تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۲۲
از این رو غرض این است که دو گوهر نفیس و گران بها در میان امت باقی بماند تا امت پس از آن حضرت گمراه نشوند.
پس با توجه به قراین و تناسب های موجود در حدیث واژه «ثقلین» بر «ثقلین» ترجیح دارد.

بررسی واژگان دیگر ... ص: ۲۲

همچنان که ملاحظه نمودید، در نقل نخست این گونه آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ما إن أخذتم بهما لن تضلوا.

و بنا بر نقل دوم آن حضرت فرمود:

ما إن تمسكنتم بهما لن تضلوا.

این دو متن در کتاب های دیگری نیز غیر از ترمذی موجود است.

با توجه به تحقیقی که انجام شده است، عبارت «ما إن أخذتم» و یا عبارتی که مشتمل بر واژه «أخذ» باشد در مدارک زیر آمده است:

مسند احمد بن حنبل، مسند ابن راهویه، طبقات ابن سعد، صحیح ترمذی، مسند ابی یعلی، المعجم الکبیر طبرانی، مصابیح السنّه بغوی، جامع الاصول ابن اثیر و مصادر دیگر. (۱)

(۱) مسند احمد: ۳/ ۵۹، مسند ابن راهویه، به نقل از المطالب العالیه ابن حجر عسقلانی: حدیث ۱۸۷۳، الطبقات الکبری: ۲/ ۱۹۴، صحیح ترمذی: ۶/ ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶، مسند ابی یعلی: ۲/ ۳۷۶، حدیث ۱۱۴۰، المعجم الکبیر: ۳/ ۶۲ و ۶۳، حدیث ۲۶۷۸ و ۲۶۸۰، مصابیح السنّه: ۴/ ۱۸۹، حدیث ۴۸۱۵، جامع الاصول: ۱/ ۲۷۷، حدیث ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۲۳

واژه «تمسک» در مسند عبد بن حمید، تفسیر الدر المنثور، الجامع الصغیر و احیاء المیت موجود است. (۱) با مراجعه به کتاب های لغت درمی یابیم که منظور از واژه «أخذ» و یا کلمه «تمسک» در چنین مواردی، تبعیت و پیروی است. علاوه بر آن کلمه «الإتباع» نیز که در متن روایات ابن ابی شیبیه در کتاب المصنّف آمده است، به معنای همان «تبعیت و پیروی» است. (۲) در ادامه نقل واژگان حدیث ثقلین، با نقل دیگری رو به رو می شویم و آن وجود واژه «الإعتصام» به جای واژه «الأخذ» و «التمسک» است. خطیب بغدادی این حدیث را این گونه نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إني تركت فيكم ما لن تضلوا بعدي إن اعتصمتم به: كتاب الله وعترتي. (۳)

(۱) منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۱۴، حدیث ۲۶۵، الدر المنثور: ۲/ ۲۸۵، احیاء المیت: ۳۶، حدیث ۷.

(۲) المصنّف: ۱۰/ ۵۰۵، حدیث ۱۰۱۲۷.

(۳) کنز العمال: ۱/ ۱۸۷، حدیث ۹۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۲۴

من در بین شما چیزی را باقی گذاردم که اگر پس از من به آن تمسک کردید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم.
واژه «اعتصام» در قرآن، حدیث، لغت عربی و استعمالات فصیح همان معنای تمسک است. (۱) شاهد بر این که «اعتصام» در قرآن و حدیث به معنای «تمسک» است، روایتی است که در کتاب های شیعه و سنّی آمده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه

مبارکه ای که می فرماید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (۲)

همگی به ریسمان خدا تمسک کرده و پراکنده نشوید؛

فرمود:

نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ.

ما همان ریسمان خداوند هستیم.

این تفسیر امام صادق علیه السلام در منابع اهل تسنن؛ از جمله تفسیر ثعلبی و الصواعق المحرقة آمده است (۳) و آن گاه که به التفسیر الکبیر فخر رازی در ذیل این آیه مبارکه، و نیز به تفسیر الخازن و تفاسیر دیگر مراجعه کنیم،

(۱) الصحاح: ۴/۱۶۰۸، ماده «مسک»، لسان العرب: ۱۰/۴۸۸، ماده «مسک».

(۲) سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۳) الصواعق المحرقة: ۲۳۳، شواهد التنزیل: ۱/۱۶۹ و ۱۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۵

مشاهده خواهیم کرد که آنان در هنگام تفسیر این آیه، حدیث ثقلین را متذکر می شوند. «۱» البته حاکم نیشابوری نیز در المستدرک به سندی صحیح همین گونه نقل کرده است. «۲» بنا بر این، «اعتصام» همان «تمسک»، و «تمسک» به معنای «اتباع و پیروی» است، و با وجوب تبعیت و پیروی که مفاد «حدیث ثقلین» است، بدون هیچ تأمل و نزاعی امامت و خلافت ثابت خواهد شد؛ در نتیجه علی و اهل بیت علیهم السلام خلفای رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از آن حضرت می باشند.

نکته ای جالب ... ص: ۲۵

نکته جالب این که در بعضی از متون حدیث ثقلین، به جای «ثقلین»، «خلیفین» آمده است. این واژه «خلیفه»، صریح در مدّعی شیعه امامیه می باشد. این متن را احمد بن حنبل در مسند، ابن ابی عاصم در کتاب السنّه و طبرانی در المعجم الکبیر آورده اند. «۳»

(۱) تفسیر الکبیر: ۸/۱۷۳، تفسیر الخازن: ۱/۲۷۷.

(۲) المستدرک: ۳/۱۱۰.

(۳) مسند احمد: ۵/۱۸۱، حدیث ۲۱۰۶۸ و ص ۱۸۹، حدیث ۲۱۱۴۵، کتاب السنّه: ۳۳۶، حدیث ۷۵۴، المعجم الکبیر: ۵/۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۶

حافظ هیشمی، بعد از نقل این حدیث از کتاب المعجم الکبیر طبرانی می گوید: همه رجال سند آن مورد وثوق و اعتماد هستند و جلال الدین سیوطی نیز پس از نقل روایت، به صحت سند آن تصریح می نماید. «۱» نکته لطیف تر این که: عبدالرؤوف مناوی مصری، در کتاب فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر، در شرح کلمه «عترتی» می گوید:

«عترت رسول خدا صلی الله علیه وآله همان اصحاب کسائی هستند که خداوند متعال هر گونه پلیدی را از آن ها دور کرده و آنان را به طور کامل پاک فرموده است». «۲» ملاحظه می فرمایید که نتیجه الفاظ مختلف حدیث ثقلین، تعیین امام و خلیفه بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله و بیان گر منصب خلافت و امامت خواهد بود.

نتیجه بحث ... ص: ۲۶

نتیجه سخن این که حدیث ثقلین گرچه به متن های گوناگون نقل شده است؛ ولی تمامی آن ها مفید یک معنا بوده و آن «امامت و خلافت» است؛ و در بین این متون، دلالت کلمه «خلیفین» از همه صریح تر است

(۱) مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۵، الجامع الصغیر: ۱/ ۴۰۲، حدیث ۲۶۳.

(۲) فیض القدیر: ۳/ ۱۴، شرح حدیث ۲۶۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۷

که هیچ اختلافی در این مورد نیست.

به راستی چه متنی در دلالت بر امامت و خلافت از این متن صریح تر است، آن جا که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ [الْخَلِيفَتَيْنِ]: كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي.

به راستی که من در بین شما دو جانشین گذاردم: کتاب خدا و خاندانم. مادامی که به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آری از این جا درمی یابیم که قرآن کریم و روایات صادره از رسول خدا صلی الله علیه وآله چگونه یکدیگر را تصدیق می نمایند. قرآن کریم می فرماید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». (۱)

و همگی به ریسمان خدا تمسک کنید و پراکنده نشوید.

و رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز در حدیث ثقلین می فرماید:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا.

من دو چیز گران بها در بین شما می گذارم: کتاب خدا و عترت

(۱) سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۲۸

و خاندانم. مادامی که به آن ها تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن چه را که قرآن کریم به عنوان «حبل الله» به تمسک به آن امر می فرماید، رسول خدا صلی الله علیه وآله به عنوان «عترتی اهل بیتی» به تمسک به آن دستور می دهد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۳۱

بخش دوم نگاه به راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱**راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱**

حدیث معروف و مشهور ثقلین، توسط راویان بسیاری نقل شده است. در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله، بیش از سی نفر حدیث ثقلین را از آن حضرت نقل کرده اند که ما عده ای از آن ها را نام می بریم:

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام؛

- ۲- امام حسن مجتبی سبط اکبر علیه السلام؛
- ۳- سلمان فارسی؛
- ۴- ابوذر غفاری؛
- ۵- جابر بن عبدالله انصاری؛
- ۶- ابوالهیثم بن تیهان؛
- ۷- حذیفه بن الیمان؛
- ۸- ابوشرحه- یا ابو سریحه- حذیفه بن اسید؛
- سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۳۲
- ۹- ابوسعید خُدری؛
- ۱۰- خزیمه بن ثابت؛
- ۱۱- زید بن ثابت؛
- ۱۲- عبدالرحمان بن عوف؛
- ۱۳- طلحه؛
- ۱۴- ابوهریره؛
- ۱۵- سعد بن ابی وقاص؛
- ۱۶- ابویوب انصاری؛
- ۱۷- عمرو بن عاص؛
- ۱۸- فاطمه زهرا علیها السلام، پاره تن رسول خدا صلی الله علیه وآله؛
- ۱۹- امّ سلمه، امّ المؤمنین؛
- ۲۰- امّ هانی، خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام.

حدیث ثقلین به روایت پیشوایان مشهور اهل تسنن ... ص: ۳۲

البته در طول قرون متمادی، صدها نفر از مشاهیر، مفسران، محدثان، مورخان و راوی شناسان اهل تسنن، حدیث ثقلین را به اسانید خود از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده‌اند که به نام پنجاه نفر از آنان اکتفا می‌شود:

- ۱- سعید بن مسروق ثوری؛
- سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۳۳
- ۲- سلیمان بن مهران اعمش؛
- ۳- محمد بن اسحاق، نویسنده سیره؛
- ۴- محمد بن سعد، نویسنده الطبقات الکبری؛
- ۵- ابوبکر ابن ابی شیبه، نویسنده المصنّف؛
- ۶- ابن راهویه، نویسنده المسند؛
- ۷- احمد بن حنبل (پیشوای حنابله) نگارنده المسند؛
- ۸- عبد بن حمید، نگارنده المسند؛

- ۹- مسلم بن حجاج قشیری، نگارنده الصحيح؛
- ۱۰- ابن ماجه قزوینی، نگارنده سنن المصطفی، یکی از صحاح ششگانه؛
- ۱۱- ابوداود سجستانی، نگارنده السنن، یکی از صحاح ششگانه؛
- ۱۲- ترمذی، نگارنده الصحيح؛
- ۱۳- ابن ابی عاصم، نگارنده کتاب السنه؛
- ۱۴- ابوبکر بزار، نگارنده المسند؛
- ۱۵- نسائی، نگارنده السنن؛
- ۱۶- ابویعلی موصلی، نگارنده المسند؛
- ۱۷- محمد بن جریر طبری، نویسنده تاریخ و تفسیر؛
- ۱۸- ابوالقاسم طبرانی، نویسنده المعجم الکبیر، المعجم الأوسط
- سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۳۴
- و المعجم الصغیر؛
- ۱۹- ابوالحسن دارقطنی بغدادی، پیشوای معروف؛
- ۲۰- حاکم نیشابوری، نگارنده المستدرک؛
- ۲۱- ابو نعیم اصفهانی، نویسنده کتاب های معروف؛
- ۲۲- ابوبکر بیهقی، نگارنده السنن الکبری؛
- ۲۳- ابن عبدالبر، نگارنده الاستیعاب؛
- ۲۴- خطیب بغدادی، نگارنده تاریخ بغداد؛
- ۲۵- بغوی، نویسنده مصابیح السنه؛
- ۲۶- رزین عبدری، نویسنده الجمع بین الصحاح السنه؛
- ۲۷- قاضی عیاض، نویسنده الشفاء؛
- ۲۸- ابن عساکر دمشقی، نویسنده تاریخ مدینه دمشق؛
- ۲۹- ابن اثیر جزری، نویسنده اسد الغابه؛
- ۳۰- فخر رازی، نویسنده التفسیر الکبیر؛
- ۳۱- ضیاء مقدسی، نویسنده المختاره؛
- ۳۲- ابو زکریا نووی، شارح صحیح مسلم؛
- ۳۳- ابوالحجاج مزنی، نگارنده تهذیب الکمال؛
- ۳۴- شمس الدین ذهبی، نگارنده کتاب های معروف؛
- ۳۵- ابن کثیر دمشقی، نگارنده تفسیر و تاریخ؛
- سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۳۵
- ۳۶- نورالدین هیشمی، نگارنده مجمع الزوائد؛
- ۳۷- جلال الدین سیوطی، نگارنده کتاب های معروف؛
- ۳۸- شهاب الدین قسطلانی، شارح صحیح بخاری؛

۳۹- شمس الدین صالحی دمشقی، شاگرد جلال الدین سیوطی، نویسنده سبل الهدی والرشاد؛

۴۰- ابن حجر عسقلانی، نگارنده کتاب‌های معروف و معتبر نزد عامه؛

۴۱- شمس الدین ابن طولون دمشقی؛

۴۲- شهاب الدین ابن حجر مکی، نویسنده الصواعق المحرقة؛

۴۳- متقی هندی، نگارنده کنز العمال؛

۴۴- ملا علی قاری هروی، نویسنده مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح؛

۴۵- عبدالرؤوف مناوی، نویسنده فیض القدير فی شرح الجامع الصغیر؛

۴۶- حلبی، نویسنده السیره الحلبیه؛

۴۷- زینی دحلان، نگارنده السیره الدحلانیه؛

۴۸- منصور علی ناصف، نگارنده التاج الجامع للاصول؛

۴۹- شیخ یوسف نبهانی، نویسنده کتاب‌های متعدد؛

۵۰- مبارک پوری هندی، شارح صحیح ترمذی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۳۶

گفتنی است که اینان پنجاه تن از مشاهیر اهل تسنن بودند که در قرون مختلف و متمادی حدیث ثقلین را روایت کرده‌اند و این تعداد، حدود ۱۱۰ روایان این حدیث شریف از بزرگان و مشاهیر آن‌هاست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۳۹

بررسی دلالت های حدیث ثقلین حدیث ثقلین ... ص: ۳۹

حدیث ثقلین بیان گر امامت و خلافت ... ص: ۳۹

ما پیش‌تر- به طور اجمال- متن‌های مختلف «حدیث ثقلین» را بررسی کردیم و روشن شد که این حدیث شریف، بیان گر خلافت و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام است. همچنین بیان شد که این حدیث شریف به جهت وجود واژه «خلیفین»، به امامت و خلافت تصریح دارد.

کیفیت دلالت واژگانی مانند: «الأخذ»، «التمسک»، «الاعتصام» و مواردی از این قبیل بدین گونه است:

چون این الفاظ دلالت بر وجوب تبعیت، پیروی و اطاعت مطلق و بدون قید و شرط می‌نمایند، ناگزیر مفاد حدیث به دلالت التزامی بیان گر امامت و خلافت خواهد بود؛ زیرا شکی نیست که بین اطاعت مطلق و امامت و خلافت، تلازم و همبستگی تام و غیر قابل انکار وجود دارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۰

برای تثبیت آن چه بیان شد، می‌توان به بیانات شارحان «حدیث ثقلین»، از بزرگان و مشاهیر اهل تسنن مراجعه نمود؛ افرادی همچون:

مناوی در فیض القدير فی شرح جامع الصغیر، ملا علی قاری در المرقاة فی شرح المشکاة، و قاضی عیاض در نسیم الریاض و کتاب‌هایی همچون: شرح المواهب اللدنیة، السراج المنیر فی شرح الجامع الصغیر، الصواعق المحرقة، جواهر العقدين و منابعی دیگر. گفتنی است که نگارندگان این آثار، پس از شرح حدیث ثقلین تصریح نموده‌اند که طبق این حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه وآله

مردم را به بهره بردن از هدایت‌های اهل بیت علیهم السلام، فراگیری از دانش آنان و پیروی از آن‌ها برانگیخت و به این امور دستور داد.

دیدگاه بزرگان اهل سنت در دلالت حدیث ... ص: ۴۰

همان گونه که بیان شد، بزرگان اهل تسنن در کتاب‌های خود، دلالت حدیث ثقلین را بیان کرده‌اند. برای نمونه، کلام چند تن از آنان را می‌آوریم:

مناوی می‌گوید:

حدیث ثقلین به صراحت و بدون هیچ گونه ابهامی دلالت دارد بر این که قرآن و عترت علیهم السلام به سان دو فرزندی هستند که با یکدیگر زاده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را در بین امت گذاشته و به

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۴۱

آن‌ها توصیه فرموده که با آن دو به نیکی رفتار نمایند و حق آن دو را بر خودشان مقدم کرده و در امور دین‌شان به آن دو تمسک جویند. «۱» ملا علی قاری در شرح حدیث شریف چنین می‌نگارد:

معنای تمسک به عترت علیهم السلام، همان دوستی آنان و هدایت یافتن به راه، روش و دستورات آنان است. «۲» زرقانی مالکی (که یکی از محققین اهل تسنن در حدیث است) چنین می‌گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، سفارش و وصیت خود را تأکید و تقویت کرد و فرمود:

فانظروا بَمَ تخلفونی فیهما بعد وفاتی؟ هل تتبعونهما فتسرونی أو لا، فتسیئونی؟ «۳»

ببینید پس از من چگونه این دو را پاس می‌دارید؟ آیا از آن دو تبعیت و پیروی می‌کنید و موجبات خشنودی مرا فراهم می‌آورید، یا از راه و روش این دو گوهر گران‌بها روی برتافته و با این عمل مرا اندوهناک می‌سازید؟

(۱) فیض القدر: ۱۵/۳.

(۲) مرقاة المفاتیح: ۵۳۱/۱۰.

(۳) شرح المواهب اللدنیة: ۷/۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۴۲

حدیث ثقلین بیان گر اعلمیت اهل بیت ... ص: ۴۲

علیهم السلام

ابن حجر مکی پیرامون مفاد «حدیث ثقلین» می‌نویسد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این فرمایش، امت را به اقتدا، تمسک و فراگیری از علم سرشار این دو منع دانش فرمان می‌دهند. «۱» از این رهگذر، یکی از اموری را که حدیث ثقلین افاده می‌کند، وجوب تعلم از «عترت» علیهم السلام است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که حدیث ثقلین، بر اعلمیت اهل بیت علیهم السلام دلالت می‌نماید، و اعلمیت نیز به مورد خاصی و ظرف مخصوصی مقید نیست.

به سخن دیگر: اعلمیت، اعلمیت مطلق است و اعلمیت مطلق، مستلزم افضلیت و برتری اهل بیت علیهم السلام است؛ و افضلیت و برتری، مستلزم امامت آنان خواهد بود؛ از این رو همه اصحاب پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمورند که در مسایل علمی و

دینی به خاندان نبوت علیهم السلام رجوع نمایند؛ همچنان که مأمور به تبعیت، پیروی و اطاعت از آنان می‌باشند. از سوی دیگر در بعضی از متونی که بزرگان محدثان عامه

(۱) الصواعق المحرقة: ۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۳

از جمله: طبرانی در المعجم الكبير، «۱»

هیشمی در مجمع الزوائد، «۲»

ابن اثیر جزری در اسد الغابه «۳»

و ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة «۴»

نقل کرده‌اند، به این موضوع تصریح شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن که فرمود: *إِنِّي تَارِكٌ فَيَكُمُ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا.* چنین اضافه کرد:

فلا تقدّموهما فتهلكوا، ولا تقصروا عنهما فتهلكوا، ولا تعلموهم فإنهم أعلم منكم.

بنا بر این بر کتاب و عترت علیهم السلام پیشی نگیرید که هلاک خواهید شد؛ و در حق آن دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد؛ و به عترتم چیزی نیاموزید؛ زیرا که آنان از شما داناترند.

بنا بر این، آن چه را که نتیجه گرفتیم، مورد تصریح بزرگان اهل سنت و شارحان حدیث قرار گرفته است. به عنوان نمونه ملاً علی

(۱) المعجم الكبير: ۱۶۶/۵ و ۱۶۷.

(۲) مجمع الزوائد: ۱۶۴/۹.

(۳) اسد الغابه: ۱۳/۲.

(۴) الصواعق المحرقة: ۲۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۴

قاری در کتاب مرقاة المفاتیح می‌نویسد:

روشن است که در غالب موارد عرفی، افراد نزدیک‌تر به صاحب خانه، از حالات و خصوصیات او بهتر آگاهی دارند تا دیگران؛ پس منظور از عترت، دانشمندان و عالمان از خاندان نبوت می‌باشند که بر راه و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله اطلاع کامل دارند، و دانش و حکمت آن بزرگوار نزد آنان می‌باشد. به همین جهت، آن‌ها قرین و عدل کتاب خدای سبحان قرار داده شده‌اند؛ همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». «۱»

به آنان کتاب و حکمت را می‌آموزد.

ابن حجر مکی نیز در کتاب الصواعق المحرقة، بعد از نقل حدیث ثقلین چنین می‌گوید:

این فرمایش حضرت که فرموده‌اند: «فلا تقدّموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهم فتهلكوا ولا تعلموهم فإنهم أعلم منكم؛ از آنان پیشی نگیرید که هلاک خواهید شد؛ و در حق آنان کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد؛ و چیزی به آنان نیاموزید؛ زیرا که آنان از شما داناترند» دلیل

(۱) سوره بقره: آیه ۱۲۹، سوره آل عمران: آیه ۱۶۴، سوره جمعه: آیه ۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۵

است بر این که در میان خانواده خاص رسول خدا صلی الله علیه وآله، هر که اهلیت و شایستگی مراتب عالی و قدرت تأمین خواسته‌های دینی مردم را داراست بر دیگری مقدم است.

نتیجه این که: «حدیث ثقلین» به اعتبار آن فراز که دلالت بر وجوب تعلم از «عترت» می‌نماید، بیان گر امامت خاندان نبوت علیهم السلام و تقدم آنان بر دیگران است، که این نیز از اموری است که می‌توان برای اثبات آن به «حدیث ثقلین» تمسک جست.

حدیث ثقلین بیان گر عصمت اهل بیت ... ص: ۴۵

علیهم السلام

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله «عترت» را قرین و همدوش قرآن کریم قرار داده‌اند که از این رهگذر، این حدیث بر دو نکته اساسی دلالت می‌کند:

۱- عصمت اهل بیت علیهم السلام؛

۲- وجود امامی از اهل بیت علیهم السلام در تمام زمان‌ها؛

به این بیان که آن امام صلاحیت برای امامت و خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه وآله داشته و پیشوا و رهبر مردم باشد، که تمامی افراد امت، بتوانند در اموری دینی و امور مورد نیاز خود را از او فرا گیرند و تا قرآن باقی و موجود است، ناگزیر چنین امامی از اهل بیت علیهم السلام نیز در کنار قرآن خواهد بود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۶

البته بحث از عصمت، و نیز بحث از امامت سایر ائمه علیهم السلام- غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام- و این که باید همراه قرآن امامی باشد که اهلیت تصدی منصب رسول خدا صلی الله علیه وآله را در میان امت داشته باشد، هر یک پژوهش جداگانه و مبسوطی را می‌طلبد. (۱)

اقتران حدیث ثقلین با احادیث دیگر ... ص: ۴۶

اکنون برای کامل شدن بحث پیرامون «حدیث ثقلین» به مطالبی اشاره می‌کنیم.

مطلب نخست: «حدیث ثقلین» در موارد زیادی، توأم با احادیثی وارد شده است که آن احادیث به طور جداگانه از نظر سند متواتر بوده و دلالتشان بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار واضح و روشن است؛ بلکه در بعضی از متون، بر امامت و خلافت بلافصل آن بزرگوار تصریح دارد و ورود «حدیث ثقلین» در ضمن این احادیث- به قرینه وحدت سیاق- نشان گر این است که مدلول «حدیث ثقلین»، در بیان اثبات امامت و خلافت است، و در جای خود (در مباحث اصول فقه) اثبات گردیده است که وحدت سیاق در صورتی که قرینه قطعی

(۱) گفتنی است که این دو عنوان نیز در سلسله پژوهش های اعتقادی، جداگانه از همین نگارنده، نگارش یافته‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۷

برخلاف آن نباشد، حجت بوده و مورد قبول عقلاست.

از موارد اقترا ن می توان به اقترا ن این حدیث با حدیث غدیر اشاره کرد که متقی هندی در کنز العمال از ابن جریر طبری، ابن ابی عاصم و محاملی «۱» چنین نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر، در حالی که دست علی علیه السلام در دستش بود فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَوْلَاكُمْ؟

ای مردم! آیا شما گواهی نمی دهید که به راستی خدا و پیامبرش از شما نسبت به خودتان اولی تر و شایسته تر است و خدا و پیامبرش مولای شماست؟

گفتند: چرا.

فرمود:

فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ، وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي: كِتَابُ اللَّهِ وَأَهْلُ بَيْتِي. «۲»

(۱) وی محدثی بزرگ از محدثان اهل سنت است که این حدیث را در کتاب امالی خود صحیح دانسته است.

(۲) کنز العمال: ۱۳ / ۱۴۰، حدیث ۳۶۴۴۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۸

پس کسی که خداوند و رسولش مولای او هستند، پس به راستی که این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. همانا من در میان شما دو چیز قرار دادم که اگر پس از من از آن دو پیروی نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

البته اقترا ن حدیث ثقلین به حدیث غدیر، در مصادر بسیار دیگری نیز آمده است. «۱» ابن حجر در کتاب الفتاوی الفقهیه، «۲» سه حدیث ثقلین، غدیر و منزلت را در یک سیاق نقل کرده است که هر یک از این سه حدیث شریف به طور جداگانه، دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می کند.

وصیت به قرآن کریم و عترت در موارد مختلف ... ص: ۴۸

مطلب دوم: رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه به قرآن و عترت علیهم السلام را در موارد مختلف و جاهای متفاوت تکرار فرموده اند که به چهار مورد آن اشاره می شود.

مورد نخست: هنگام بازگشت از شهر طائف.

(۱) ر. ك المعجم الكبير: ۱۶۶ / ۵ و ۱۶۷، حدیث ۵۰۷۰، کنز العمال: ۱۳ / ۱۴۰، به نقل از مسند ابن راهویه، المستدرک: ۳ / ۱۰۹،

نوادر الاصول: ۱ / ۲۵۸، الإصابه: ۴ / ۸۰، اسد الغابه: ۳ / ۲۸، السیره الحلییه: ۳ / ۲۷۴.

(۲) الفتاوی الفقهیه: ۲ / ۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۴۹

این مورد را ابن ابی شیبیه ذکر کرده است و ابن حجر مکی نیز در کتاب الصواعق المحرقة «۱» از او نقل می کند.

مورد دوم: در حجّة الوداع و به طور مستقل در روز عرفه.

این مورد را متقی هندی در کنز العمال «۲»

از ابن ابی شیبیه نقل می کند. همچنین ترمذی در صحیح، «۳»

طبرانی در کتاب المعجم الکبیر، «۴»

ابن اثیر جزری در کتاب جامع الاصول «۵»

و افراد دیگری آورده‌اند.

مورد سوم: هنگام بازگشت از حجّه الوداع، در روز غدیر خم و در ضمن خطبه طولانی و مفصل غدیر.

این مورد را احمد بن حنبل در المسند، «۶»

دارمی در السنن، «۷»

بیهقی در السنن الکبری، «۸»

ابن کثیر در البدایه والنهایه «۹»

و دیگران

(۱) الصواعق المحرقة: ۲۳۱.

(۲) کنز العمال: ۱/ ۱۸۸، حدیث ۹۴۴.

(۳) صحیح ترمذی: ۶/ ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶.

(۴) المعجم الکبیر: ۳/ ۶۳، حدیث ۲۶۷۹.

(۵) جامع الاصول: ۱/ ۲۷۷.

(۶) مسند احمد: ۳/ ۱۷.

(۷) سنن دارمی: ۲/ ۳۴۲.

(۸) السنن الکبری: ۲/ ۱۴۸.

(۹) البدایه والنهایه: ۵/ ۲۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۵۰
نقل کرده‌اند.

مورد چهارم: هنگام رحلت جانگدازشان، در حالی که حجره شریف مملو از جمعیت بود.
وقایع مربوط به این مورد را ابن ابی شیبیه، بزّار، ابن حجر مکی و دیگران نقل کرده‌اند. «۱»

دعوت به اتحاد در پرتو تعلیمات حدیث ثقلین ... ص: ۵۰

مطلب سوم: جدّ بزرگوار ما فقیه اهل بیت علیهم السلام، سید محمّد هادی میلانی رحمه الله نقل می‌فرمودند که یکی از بزرگان
علمای شیعه در نجف اشرف، «۲» برای ایجاد اتحاد بین فرقه‌های اسلام پیش قدم شدند.

جدّ ما می‌فرمود: ما به ایشان و امثال ایشان اصرار داشتیم که راه درست اتحاد بین فرقه‌های اسلامی و تقارب بین مذاهب، منحصر در
التزام به تبعیت، پیروی و به کار بستن مفاد «حدیث ثقلین» است؛ زیرا فرض این است که این حدیث شریف نزد شیعه و سنی از نظر
صدور

(۱) سمط النجوم العوالی: ۳/ ۶۳، حدیث ۱۳۶، به نقل از ابن ابی شیبیه، کشف الاستار عن زوائد البزّار: ۳/ ۲۲۱، حدیث ۲۶۱۲،
الصواعق المحرقة: ۸۹.

(۲) علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء رحمه الله (۱۳۷۳ هـ).

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۱

و صحت مورد اتفاق است، گرچه قائل به تواتر آن نباشیم، در حالی که این حدیث شریف به یقین متواتر و مورد قبول در نزد طرفین بوده و از نظر دلالت هم هیچ نکته ابهامی در آن نیست.

بنا بر این امری که صدورش از رسول خدا صلی الله علیه و آله قطعی است و دلالتش نیز بر مدعای یکی از طرفین - که شیعه باشد - تام و بدون ابهام و اشکال است؛ چنین وجهی جامع و محوری اساسی برای اتحاد بین فرقه‌ها کافی است. از این رو چرا آن را رها کرده و به آراء، پیشنهادها و راه‌های دیگری رو آوریم که نه بهره‌ای دارند و نه ما را به هدف می‌رسانند. جدّ ما رحمه الله همواره می‌فرمودند:

ما بر این معنا اصرار فوق العاده داشتیم و در قبال ما، بزرگواری که رهبری اندیشه تقریب را به عهده داشت، پیشنهاد دیگری را در نظر داشت، تا این که وی برای انجام مقصود خود به دیار اهل خلاف سفر نمود و پس از بازگشت، به طور صریح اعتراف کرد که راه درست اتحاد بین فرقه‌های مسلمان فقط همین راه است و برای علاج این مشکل چاره‌ای جز رجوع به «حدیث ثقلین» و امثال آن نیست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۲

چکیده سخن ... ص: ۵۲

چکیده آن چه بیان شد چنین است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله از فرا رسیدن وفات و نزدیک شدن رحلت جانگدازش خبر داد و گران‌بهاترین و پرازش‌ترین اشیا (قرآن کریم و عترت و خاندانش) را در میان امت باقی گذارد و این دو یادگار گران‌بها، ضامن هدایت ابدی امت خواهند بود که در اثر پیروی و تبعیت از این دو ثقل، هرگز امت اسلام به ضلالت نخواهند افتاد.

شاهد بر عدم ضلالت ابدی، به کار بردن حرف «لَنْ» است که بیان‌گر نفی ابدی می‌باشد. این حرف در متون مختلف «حدیث ثقلین» موجود است، آن جا که فرمود:

ما إن تمسکتُم بهما؛ ما إن أخذتم بهما لن تضلّوا...

مادامی که به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امت را در تنگنای پرسش از این دو قرار داد و تأکید فرمود که کنار حوض کوثر، از شما خواهم پرسید که با این دو چگونه رفتار کرده‌اید، و آیا حقّ مرا در ارتباط با آن دو رعایت کرده‌اید یا نه؟

شاید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن وعده و ملاقات به منصب سقایت آب کوثر توسط امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره فرموده که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۳

علی علیه السلام منافقان را از نوشیدن آن آب منع خواهد فرمود.

همچنین به نظر می‌رسد که آن بزرگوار با این فرمایش، به حدیث مشهوری اشاره فرموده که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت است و در صحاح نیز آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سیرد علیّ أصحابی وأنهم یذادون عن الحوض وأقول: یا رب! هؤلاء أصحابی، فبقول: إنک لا تدری ما أحدثوا من بعدک.

به زودی اصحاب من در روز قیامت بر من وارد خواهند شد که آن‌ها را از حوض می‌رانند و دور می‌کنند. من می‌گویم:

پروردگارا! اینان اصحاب من هستند؟

خداوند متعال می‌فرماید: نمی‌دانی بعد از تو چه کارهایی انجام دادند. «۱»

(۱) صحیح بخاری: ۹۶/۶، ۱۳۶/۸ و ۱۴۸، ۵۸/۹، صحیح مسلم: ۴/۱۷۹۳، مسند احمد: ۱/۴۵۳، ۳/۲۸، ۵/۵۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۷

بخش چهارم بررسی اشکال‌ها و ایرادها واهی بر حدیث ثقلین ... ص: ۵۷

اشکال‌ها و ایرادها ... ص: ۵۷

آن گاه که به کتاب‌های اهل تسنن مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که آنان به پنج طریق خواسته‌اند استدلال‌های شیعه به «حدیث ثقلین» را باطل کنند. ما اکنون به ذکر آن‌ها پرداخته و در پایان هر طریق، جواب آن را نیز بیان خواهیم کرد.

تضعیف حدیث ... ص: ۵۷

نخستین طریق، طریق ابوالفرج ابن جوزی است. وی کتابی به نام العِلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیه دارد که در آن، احادیثی را که به خیال خود ضعیف بوده و از نظر سند مخدوش است آورده است. او حدیث ثقلین را از جمله آن احادیث قرار داده است. وی این حدیث شریف را با یک سند نقل کرده و پس از آن در سلسله سند حدیث خدشه نموده است. «۱»

(۱) العِلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیه: ۱/۲۶۸، حدیث ۴۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۸

ما تاکنون غیر از ابن جوزی، فرد دیگری را سراغ نداریم که حدیث ثقلین را از نظر سند تضعیف کند؛ از این رو جای هیچ گونه شگفتی نیست که تضعیف وی مردود است، به گونه‌ای که شمار بسیاری از بزرگان و محققان اهل تسنن بعد از ابن جوزی، او را در این کار تخطئه کرده و عملش را مردود دانسته‌اند.

اکنون فقط به ذکر اسامی معدودی از کسانی که ابن جوزی را به جهت تضعیف سند حدیث ثقلین تخطئه کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

۱- سبط ابن جوزی- نواده دختری او- در کتاب تذکره الخواص؛

۲- حافظ سخاوی در کتاب استجلاب ارتقاء الغرف؛

۳- حافظ سَمهودی در کتاب جواهر العقدين؛

۴- ابن حجر مکی در کتاب الصّواعق المحرقة؛

۵- عبدالرؤوف مناوی در کتاب فیض القدير؛ «۱»

همه اینان گفته‌اند که ابن جوزی در تضعیف این حدیث خطا کرده است؛ آن گاه او را در این رفتار تخطئه کرده و دیگران را از پیروی از روش او بر حذر داشته‌اند، تا جایی که یکی از بزرگان اهل تسنن

(۱) ر. ك استجلاب ارتقاء الغرف: ۸۳، جواهر العقدين: ق ۲، ۱/۷۳، الصواعق المحرقة: ۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۵۹

گوید: «بپرهیز از کاری که ابن جوزی انجام داده فریب بخوری».

افزون بر این که ابوالفرج ابن جوزی شخصی است که در نزد بزرگان اهل تسنن، به تعصب و عنادورزی نسبت به حق، معروف و مشهور است و همگان نیز متفقند که این شخص در تضعیف احادیث یا جعلی شمردن آنها بی‌پروایی خاصی داشته است. از این رو تمام آنان، ابن جوزی را در این رفتار تخطئه نموده و دیگران را از پیروی از روش او جداً بر حذر داشته‌اند.

البته ما پیش‌تر مصادر معتبر «حدیث ثقلین» را ذکر کردیم، و گفتیم که این حدیث در منابع بسیاری آمده است. از جمله افرادی که به صحت این حدیث اشاره کرده‌اند می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

۱- مسلم بن حجاج در کتاب صحیح مسلم، که البته همان طور که بیان شد- حدیث را ناقص نقل کرده است؛

۲- ترمذی در صحیح؛

۳- ابن خزیمه (که در نزد اهل تسنن به امام ائمه حدیث مشهور است) در کتاب صحیح؛

۴- ابو عوانه در کتاب المسند؛

۵- حمیدی در کتاب الجمع بین الصحیحین؛

۶- رزین بن معاویه عبدری در کتاب تجرید الصحاح؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۰

۷- حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک؛

۸- ابن اسحاق در کتاب سیره؛

۹- ضیاء مقدسی در کتاب المختاره؛

۱۰- بغوی در مصابیح السنه؛

۱۱- محاملی؛

۱۲- ابن النجار؛

۱۳- نووی؛

۱۴- حافظ مزّی؛

۱۵- شمس الدین ذهبی؛

۱۶- ابن کثیر دمشقی؛

۱۷- حافظ هیشمی؛

۱۸- جلال الدین سیوطی؛

۱۹- شهاب قسطلانی؛

۲۰- ابن حجر مکی؛

۲۱- عبدالرؤوف مناوی؛

۲۲- زرقانی مالکی؛

۲۳- ولی الله دهلوی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۱

ناشناخته بودن متن حدیث ... ص: ۶۱

طریق دوم را ابو عبدالله بخاری پیموده است. وی به ناشناخته بودن متن حدیث حکم کرده و در کتاب التاریخ الصغیر «۱» چنین می‌نویسد:

قال أحمد فی حدیث عبدالملک عن عطیة عن أبی سعید: قال النبی صلی الله علیه وآله: «ترکت فیکم الثقلین». قال: أحادیث الکوفیین هذه منا کیر.

درباره روایتی که عبدالملک، از عطیه، از ابی سعید خدری، از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «من دو چیز گران بها برای شما به جای گذاردم»؛ احمد بن حنبل می‌گوید: این گونه احادیث که از کوفیان نقل شده است، از نظر متن منکر و ناشناخته است.

پاسخ از این اشکال

ما این اشکال را از دو جهت پاسخ می‌دهیم:

۱. نسبت این کلام - یعنی منکر شمردن «حدیث ثقلین» - به احمد بن حنبل دروغ محض است؛ زیرا که خود احمد این حدیث

(۱) التاریخ الصغیر: ۳۰۲/۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۶۲

شریف را در کتاب المسند «۱»

و نیز در کتاب فضائل الصّحابه، با اسانید بسیاری و از عدّه زیادی از صحابه نقل می‌کند. پس چگونه ممکن است که شخصی مانند احمد بن حنبل، با این گستردگی حدیث را روایت نماید و در عین حال این حدیث را از جهت متن منکر و ناشناخته بشمارد؟ احمد بن حنبل کجا و چه زمانی این حدیث را انکار کرده است؟

۲- آری متن حدیث ثقلین در نزد بخاری منکر و ناشناخته است؛ زیرا حدیثی است که بدون هیچ ابهامی بیان گر امامت امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. حدیثی است که بر اعلیّت، افضلیّت، همتای قرآن بودن، عصمت اهل بیت علیهم السلام و مواردی از این قبیل - که در حدیث موجود است - دلالت می‌نماید.

تحریر حدیث ... ص: ۶۲

سومین راهی که برای بی اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار برده‌اند، تحریر حدیث شریف است. البتّه تحریر به معنای نقصان؛ به این معنا که قسمتی از حدیث را که دلالت «حدیث ثقلین» مبتنی بر آن است، حذف کرده و نقل نموده‌اند. از کسانی که این راه را پیموده‌اند

(۱) مسند احمد: ۱۷/۳ و ۵۹، ۵/۱۸۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۶۳

مسلم بن حجاج در کتاب صحیح «۱»

و خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد است.

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ می‌نویسد:

مطین، از نصر بن عبدالرحمان، از زید بن حسن، از معروف از ابوطفیل این گونه نقل می‌کند که حدیفه بن اسید گوید:

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

يا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي فَرَطُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضِ، وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ حِينَ تَرُدُونَ عَلَيَّ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا: الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ، سَبَبُ طَرَفِهِ بِيَدِ اللَّهِ وَطَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ، فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ وَلَا تَضَلُّوا وَلَا تَبَدَّلُوا. (۲)

ای مردم! به راستی که من پیش از شما از دنیا می‌روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شوید، و من هنگام ورودتان از دو گوهر گران‌بها که در میان شما به ودیعت گذاشته بودم خواهم پرسید. نیک دقت کنید که چگونه حق مرا درباره آن دو رعایت کرده‌اید؟! یکی از آن دو کتاب خداوند متعال (قرآن کریم)

(۱) صحیح مسلم: ۱۲۲/۷.

(۲) تاریخ بغداد: ۴۴۲/۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۴

است؛ ریسمانی که یک طرفش به دست خداوند و طرف دیگرش در دست شماست. به آن تمسک کنید و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید.

همان طور که ملاحظه می‌شود، با این که در صدر حدیث از «ثقلین» نام برده شده؛ ولی در ذیل آن، از این دو گوهر گران‌بها، فقط یک مورد آن یعنی «کتاب الله» اشاره و از ذکر دیگری خودداری شده است.

جالب این که این حدیث، با همین سندی که خطیب در کتابش آورده است، بدون کوچکترین تفاوتی در تمامی سند، در سایر مصادر اهل تسنن موجود است و در ذیل آن، از «ثقل» دیگر نیز نام برده شده است که ما فقط به یک منبع اکتفا می‌نماییم.

حکیم ترمذی در نوادر الاصول، حدیث شریف را با همین سند چنین نقل می‌کند:

...إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَيَّ الْحَوْضِ وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ حِينَ تَرُدُونَ عَلَيَّ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا: الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ، سَبَبُ طَرَفِهِ بِيَدِ اللَّهِ وَطَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ، فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ وَلَا تَضَلُّوا وَلَا تَبَدَّلُوا؛ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي، فَإِنِّي قَدْ تَبَأْنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ. (۱)

(۱) نوادر الاصول: ۲۵۸/۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۵

...به راستی که من پیش از شما از دنیا می‌روم و شما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد. من هنگام ورودتان از دو گوهر گران‌بها که میان شما به ودیعت نهاده بودم، خواهم پرسید. نیک دقت کنید که چگونه حق مرا درباره آن دو رعایت کرده‌اید؟ یکی از آن دو، کتاب خداوند متعال (قرآن کریم) است؛ ریسمانی که یک طرفش به دست خداوند متعال و طرف دیگرش در دست شماست. پس به آن تمسک کنید و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید و دیگری عترتم که اهل بیت من هستند. پس به راستی که خداوند آگاه و دانای رازها به من خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

خوانندگان گرامی! داوری کنید و به این دو نقل توجه نموده و با یکدیگر مقایسه نمایید. آیا خود خطیب بغدادی در حدیث شریف تصرف کرده است یا ناسخان و یا ناشران؟ خداوند داناتر است.

البته ذکر جمیع موارد تحریف نیاز به مجالی وسیع‌تر و تألیف جداگانه‌ای است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۶

معارضه با احادیث دیگر ... ص: ۶۶

چهارمین راهی که اهل سنت برای بی اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار گرفته‌اند، معارضه است؛ معارضه با احادیثی که خود در کتاب‌هایشان روایت می‌کنند.

البته از اعتبار افتادن حدیثی در اثر وجود معارضی که از نظر سند و دلالت، همتا و همسنگ با آن حدیث باشد امری مطابق قاعده و صناعت بوده و مورد قبول همه محققین است؛ ولی - همچنان که پیش تر اشاره شد - می‌گوییم: معارضه، فرع حجیت است. به این معنا که دو حدیث متعارض، از نظر سند و دلالت باید تمام باشند و حجیت هر یک مسلم باشد تا نوبت به معارضه برسد در نتیجه یکی درست و دیگری نادرست باشد. و گرنه اگر یکی از احادیث نسبت به دیگری ترجیح داشته باشد، و اگر یکی از احادیث صحیح باشد و دیگری غیر صحیح باشد، نوبت به معارضه نخواهد رسید.

اکنون می‌پرسیم حدیث ثقلین یا همان حدیث وصیت به قرآن و اهل بیت علیهم السلام با کدام حدیثی در تعارض است؟ مهم‌ترین حدیثی که به عنوان معارض برای حدیث ثقلین مطرح شده است، دو حدیث است:

۱- حدیث اقتدا به شیخین؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۷

۲- حدیث ثقلینی که در آن به جای کلمه «عترت و اهل بیت»، کلمه «سنت» آمده است. حدیث نخست را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود:

اقتدوا باللذین من بعدی؛ ابی بکر و عمر. «۱»

به دو نفری که پس از من هستند اقتدا کنید؛ ابوبکر و عمر.

این حدیث در برخی از منابع اهل تسنن نقل شده است. آنان این گونه مدعی هستند که این حدیث بر وجوب اقتدا به شیخین دلالت می‌کند، و «حدیث ثقلین» نیز بر وجوب تمسک به قرآن و عترت؛ پس ناگزیر بین این دو حدیث تعارض برقرار است.

ما در پاسخ این ایراد به نقد و بررسی این حدیث پرداخته و گفتار جداگانه‌ای را نوشته‌ایم. «۲» خلاصه بررسی ما پیرامون حدیث اقتدا به شیخین، ضعف سندی آن است که بزرگان جرح و تعدیل و عالمان مورد قبول اهل سنت به ضعیف بودن تمامی راویان آن و به مجعول و دروغ بودن این حدیث

(۱) مسند احمد: ۵/ ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۹ و ۴۰۳.

(۲) این نوشتار طی سلسله پژوهش‌های اعتقادی، از همین نگارنده و با نام «حدیث اقتداء به شیخین در ترازوی نقد» چاپ شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۸

تصریح نموده‌اند. «۱» اما درباره حدیث ثقلینی که به جای کلمه «عترت»، «سنت» به کار برده شده باشد، «۲» ما پژوهشی جداگانه انجام داده‌ایم که خوانندگان گرامی می‌توانند به آن پژوهش مراجعه نمایند. «۳»

تکذیب حدیث ... ص: ۶۸

بعد از ابطال چهار طریق گذشته، تنها راهی که برای بی اعتبار نمودن «حدیث ثقلین» باقی مانده است، طریق شیخ الاسلام!! اهل سنت، جناب ابن تیمیّه است.

ابن تیمیّه می‌گوید: این حدیث (حدیث ثقلین) دروغ است! «۴»

(۱) برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: فیض القدير فی شرح الجامع الصغير: ۵۶/۲، صحيح ترمذی: ۵/۵۷۲، كتاب الضعفاء الكبير: ۹۵/۴، میزان الاعتدال: ۱۰۵/۱، ۱۴۱، ۱۴۲، لسان المیزان: ۱/۱۸۸، ۲۷۲ و ۲۳۷/۵، شرح المنهاج عبری فرغانی: مخطوط، تلخیص المستدرک: ۷۵/۳، مجمع الزوائد: ۵۳/۹، الدرّ التّضیید من مجموعۀ الحفید: ۹۷، اسنی المطالب فی احادیث مختلفۀ المراتب: ۴۸، الفِصل فی الملل والنحل: ۸۸/۴.

(۲) کنز العمال: ۱/۱۷۲.

(۳) این نوشتار نیز به عنوان ششمین اثر در سلسله پژوهش های اعتقادی و با نام «دستبردی در حدیث ثقلین» چاپ شده است.

(۴) منهاج السنّة النبویّه: ۳۱۹/۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۶۹

چه راه آسان و خوبی!

چرا اهل تسنّن از این راه با همه سهولتی که دارد غافل بوده‌اند؟

چرا با وجود چنین راهی، خود را در ایجاد تحریف در این حدیث به زحمت انداخته‌اند تا موجبات بدنامی و خیانت را برای خودشان فراهم کنند؟

چرا «حدیث ثقلین» را طرف معارضه با عبارتی موهوم و ساختگی به نام «حدیث اقتدا به شیخین» قرار داده‌اند؟

چرا این جوزی خود را در تضعیف رجال سند «حدیث ثقلین» به زحمت می‌اندازد تا بزرگان طائفه او را ردّ کرده و تخطئه کنند؟

پس بهترین راه آن است که حدیث ثقلین را تصدیق نکنند و ادّعا شود که سند معتبری برای گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیست، آن جا که فرمود:

...وعترتی اهل بیتی ما إن تمسکتم بهما لن تضلّوا.

...و خاندان و اهل بیتم، مادامی که به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

چرا شیعه این قدر بر این حدیث پافشاری دارد و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را به واسطه آن اثبات می‌کند؟

آری، شیوه ابن تیمیّه یا همان شیخ الاسلام آنان! همواره در

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۷۰

قبال احادیث امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام این گونه بوده و میان ابن تیمیّه و امثال او، و میان اهل بیت پیامبر علیهم السلام خداوند متعال خوب داوری است، و او بهترین داوران است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۷۳

کتاب نامه ... ص: ۷۳

۱. قرآن کریم.

«الف»

۲. احياء الميت بفضائل اهل البيت: جلال الدين سيوطي، دار الثقلين، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أسد الغابه: ابوالحسن علي بن محمد شيباني معروف به ابن الاثير، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.

۴. أسنى المطالب فى أحاديث مختلفه المراتب: ابن درويش الحوت، مكتبه التجاریه الكبرى، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

۵. الإصابه: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۶. امالى المحاملى: حسين بن اسماعيل محاملى، دار ابن القيم، اردن.

«ب»

۷. البداية والنهاية: حافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، دار احیاء التراث العربی ومؤسسه التاریخ العربی، بیروت، لبنان. سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۴

«ت»

۸. التاریخ الصغیر: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۹. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۰. تفسیر الخازن: علاء الدین خازن بغدادی، قاهره، مصر، سال ۱۳۲۹.

۱۱. التفسیر الکبیر: فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۲. تلخیص المستدرک: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

«ج»

۱۳. جامع الأصول: مبارک بن محمد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۴. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.

«د»

۱۵. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۵

۱۶. الدرّ التّضیّد من مجموعۀ الحفید: هروی شافعی، مطبعه التقدّم، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۲۲.

«س»

۱۷. سمط النجوم العوالی: عبدالملک عصامی مکی.

۱۸. سنن الدارمی: دارمی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۱۹. السیره الحلبیه: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبه التجاریه الکبری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۲.

«ش»

۲۰. شرح المنهاج: عبری فرقانی، مخطوط، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۲۷۷۸.

۲۱. شرح المواهب اللدنیه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۲۲. شواهد التنزیل: حافظ عبیدالله بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

«ص»

۲۳. الصحاح: اسماعیل بن حماد جوهری، دار العلم ملائین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۶

۲۴. صحیح بخاری: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۲۵. سنن ترمذی: محمد بن عیسی ترمذی، دار الفکر، بیروت.

۲۶. صحیح مسلم: مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۷. الصواعق المحرقة: ابن حجر هیتمی مکی، مکتبه القاهره، قاهره، مصر.

«ط»

۲۸. الطبقات الکبری: ابن سعد، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

«ع»

۲۹. العلل المتناهية في الاحاديث الواهية: ابن جوزي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

«ف»

۳۰. الفتاوى الفقهية: ابن حجر مكي هيثمي.

۳۱. الفصل في الأهواء والملل والنحل: ابن حزم اندلسي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۷

۳۲. فيض القدير في شرح الجامع الصغير: مناوي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«ق»

۳۳. القاموس المحيط: فيروز آبادي، دار احياء التراث عربي، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۲.

«ك»

۳۴. كتاب السنّة: ابن ابي عاصم.

۳۵. كتاب الضعفاء الكبير: عقيلي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.

۳۶. كشف الاستار عن زوائد البزار: حافظ هيثمي.

۳۷. كنز العمال: متقي هندی، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

«ل»

۳۸. لسان العرب: ابن منظور افريقي، بيروت، لبنان.

۳۹. لسان الميزان: ابن حجر، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۸

«م»

۴۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هيثمي، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۴۱. مرقاة المفاتيح: ملا علي قاري هروي، دار احياء التراث عربي، بيروت، لبنان.

۴۲. المستدرک على الصحيحين: حاکم نیشابوری، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۴۳. المسند: اسحاق بن راهويه.

۴۴. المسند: حافظ ابو يعلى احمد بن على تميمي موصلي، دار المأمون للتراث، دمشق.

۴۵. مسند احمد: احمد بن حنبل شيباني، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۴۶. مصابيح السنّة: بغوي، دار المعرفة، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.

۴۷. المصنّف: ابن ابي شيبه، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۴۸. المطالب العالیه: ابن حجر عسقلانی، دار المعرفة، بيروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاه به حدیث ثقلین، ص: ۷۹

۴۹. المعجم الكبير: سليمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احياء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۵۰. منتخب مسند عبد بن حميد: عبد بن حميد بن نصر كسي.

۵۱. منهاج السنّة النبويّة: ابن تيمية حُرّاني، مكتبة ابن تيمية، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۵۲. ميزان الاعتدال: ذهبي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

(ن)

۵۳. نوادر الاصول: ابو عبدالله محمد بن علی حکیم ترمذی، دار نور اسلامی، بیروت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث ثقلین، ص: ۸۰

(۱۰)

A Glance on Narration of Two Great Things (Hadith al-Thiqalayn)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

